

الگوهای ارتباطی خانواده و تعارضات فرزندان و والدین

صفورا سپهری^{۱*} و شهلا پاکدامن^۲

چکیده

این پژوهش با هدف شناخت نحوه‌ی ارتباط الگوهای ارتباطی خانواده با شیوه‌های حل تعارض فرزندان در برابر والدین انجام گرفت. شرکت‌کنندگان شامل ۲۰۶ نفر از دانشجویان رشته‌های گوناگون تحصیلی دانشگاه شهید بهشتی بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی تجدید نظر شده‌ی الگوهای ارتباطی ریچی (۱۹۹۱) و پرسشنامه‌ی شیوه‌ی حل تعارض رحیم و مگنر (۱۹۹۵) استفاده شد و داده‌ها از روش محاسبه‌ی همبستگی‌های بنیادی (رگرسیون چندگانه) با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. بر اساس نتایج پسرانی که با پدران خود گفت‌وگوشنود بالایی گزارش کردند از شیوه‌های حل تعارض مؤتلفانه و خدمتکارانه و آن‌هایی که هم‌نوایی بالایی داشتند، از شیوه‌های مصالحه‌گرایانه، سلطه‌گرایانه و اجتنابی بهره می‌جستند. همچنین، دخترانی که با پدر گفت‌وگوشنود بالایی گزارش کردند، شیوه‌های مؤتلفانه و مصالحه‌گرایانه و آن‌هایی که هم‌نوایی بالایی داشتند، از شیوه‌های سلطه‌گرایانه و خدمتکارانه استفاده می‌کردند. در مورد ارتباط با مادر، پسران و دختران با گفت‌وگوشنود بالا شیوه‌ی مؤتلفانه را بکار می‌بردند. درحالی‌که پسران با هم‌نوایی بالا به ترتیب از شیوه‌های خدمتکارانه، سلطه‌گرایانه و دختران شیوه‌های اجتنابی، سلطه‌گرایانه و خدمتکارانه را بکار می‌بردند. نتایج بیان‌گر این مطلب است که گفت‌وگوشنود بالا بیش‌تر اوقات با شیوه‌ی کارآمد مؤتلفانه در حل تعارض همراه می‌شود، درحالی‌که هم‌نوایی بالا اغلب شیوه‌های ناکارآمد سلطه‌گرایانه و اجتنابی را پیش‌بینی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: الگوهای ارتباطی خانواده، شیوه‌های حل تعارض.

۱- دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی Safoora.sepohri@gmail.com

۲- استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

نوجوانی دوره‌ی استقلال، بیان عقاید مخالف و کشمکش با والدین است. دوره‌ای که تعارضات نوجوان با والدین افزایش یافته و گاهی در دسر ساز می‌شود. به دلیل مشاهده‌ی برخوردهای منفی، فوری و حتی شدید در هنگام تعارض، مطالعه‌ی این فرایند به وسیله‌ی پژوهشگران در اولویت قرار گرفته است. در واقع تعارض، ارتباطی است که نشان دهنده‌ی منازعه و کشمکش بر سر اهداف ناسازگار بین دو فرد وابسته به هم می‌باشد (هاکر^۱ و ویلموت^۲، ۱۹۹۵).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مدیریت تعارض به کیفیت روابط بین افراد، رضایت موجود در این روابط و اسنادی که در مورد طرف مقابل بکار برده می‌شود، وابسته است (داملا^۳ و بوتتا^۴، ۲۰۰۰). پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهند که افراد، تعارض‌های گوناگون را به شیوه‌های یکسانی مدیریت می‌کنند. پژوهشگرانی که در مورد سبک‌های تعارضی کار کرده‌اند، نشان داده‌اند، بیش‌تر اوقات افراد تمایل دارند در طول زمان سبک‌های خود را تغییر ندهند (کانری^۵ و لیکی^۶، ۲۰۰۶، کانری^۵، ۲۰۱۰). سبک‌های تعارضی هم‌چنین پیش‌بینی‌کننده‌ی برخی از رفتارهایی هستند که در تعارضات ظاهر می‌شوند (کنراد^۷، ۱۹۹۱). بنابراین، بنظر می‌رسد سبک‌های تعارض به شناخت افراد در محیطی که تعارض رخ می‌دهد، وابسته است. نوجوان نیز در محیط خانواده در طول زمان شیوه‌ی خاصی را برای ابراز تعارضات خود انتخاب می‌کند که نحوه‌ی تعامل بین اعضای خانواده و الگوهای ارتباطی که بکار می‌برند، می‌تواند بر این شیوه‌های حل تعارض اثر گذار باشد. بنابراین، بررسی چگونگی ارتباط بین الگوی ارتباطات خانواده و سبک‌های تعارض می‌تواند ما را در فهم این‌که چگونه رویکردهای تعارضی در طی روابط نزدیک خانوادگی ساخته می‌شود، یاری دهد. این پژوهش سعی کرده است به بررسی روابط پدر و مادر با فرزند نوجوان و تعارضات موجود میان آنان در چارچوب الگوهای ارتباطات خانواده بپردازد.

پژوهشگران در هر دو حوزه‌ی روان‌شناسی و ارتباطات ادعا دارند که الگوهای ارتباطی^۸ بر اساس رمزگردانی و رمزگشایی پیام‌هایی که بین افراد خانواده رد و بدل می‌شود، شکل می‌گیرند

^۱ - Hocker

^۲ - Wilmot

^۳ - Dumlao

^۴ - Botta

^۵ - Canary

^۶ - Lakey

^۷ - Conrad

^۸ - Relational Schemata

(فیتزبرگر^۱ و ریتیچی^۲، ۱۹۹۴) و در نحوه‌ی بکارگیری داده‌ها در تعاملات آینده مورد استفاده قرار می‌گیرند.

الگوهای ارتباطات خانواده، نخستین‌بار به وسیله‌ی مک‌لئون^۳ و چافی^۴ (۱۹۷۲) معرفی شد. آنان باور داشتند که الگوهای ارتباطی بیش‌تر از این‌که یک خصیصه‌ی شخصیتی باشد، حاصل تجارب ناشی از تعاملات خانوادگی است. فرم تجدید نظر شده‌ی این ابزار (ریچی و فیتزپاتریک، ۱۹۹۰) دو بعد گفت و شنود و هم‌نوایی را معرفی می‌کند. جهت‌گیری هم‌نوایی به شرایط محیطی اشاره دارد که بیان‌کننده‌ی میزان سازگاری و توافق در نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورها در بین اعضای خانواده است که علت آن تایید و ثبات قدرت و کنترل والدین می‌باشد (ریچی، ۱۹۹۱). جهت‌گیری گفت و شنود به گفت و گوی آزاد و حمایتی بین اعضای خانواده اشاره دارد، به گونه‌ای که هر فرد تشویق می‌شود افکار و احساسات خود را به صورت مستقل بیان کند. بر اساس این دو بعد چهار نوع الگوی ارتباطات خانواده تشکیل می‌شود: خانواده‌های کثرت‌گرا^۵، حفظ‌کننده^۶، توافق‌کننده^۷ و به حال خود واگذارنده^۸. خانواده‌های کثرت‌گرا نمره‌ی بالایی در جهت‌گیری گفت و شنود، ولی نمره‌ی پایینی در جهت‌گیری هم‌نوایی کسب می‌کنند. آنان از بیان باورها به صورت آزاد در یک محیط خانواده حمایت می‌کنند. بر خلاف این خانواده‌ها، خانواده‌های حفظ‌کننده نمره‌ی پایینی در جهت‌گیری گفت و شنود و نمره‌ی بالایی در جهت‌گیری هم‌نوایی دارند که نشان‌دهنده‌ی تاکید بر قدرت والدین و اطاعت از آنان می‌باشد. خانواده‌های توافق‌کننده در هر دو جهت‌گیری نمره‌ی بالایی را کسب می‌کنند. این خانواده‌ها فرزندان خود را تشویق می‌کنند تا احساسات و نظرات خود را بیان کنند، اما تا جایی که با والدین خود مخالفت نکنند. در آخر خانواده‌های به حال خود واگذارنده هستند که در هر دو جهت‌گیری نمره‌ی پایینی را می‌گیرند. در این خانواده‌ها تعامل بین والد-فرزند بسیار محدود است و کودکان این نوع خانواده‌ها به راحتی تحت تأثیر گروه‌های بیرون از خانواده قرار می‌گیرند (کرنر^۹ و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲).

ابزار تجدید نظر شده‌ی الگوی ارتباطات خانواده (ریچی، ۱۹۹۱)، شیوه‌ای را جهت اندازه‌گیری طرز حواره‌های والد-فرزند پیشنهاد می‌کند که شامل نحوه‌ی تفسیر کودکان و نوجوانان از رفتارهای

¹- Fitzpatrick

²- Ritchie

³- McLeod

⁴- Chaffee

⁵- Ppluralistic

⁶- Pprotective

⁷- Consensual

⁸- Laissez-Ffaire

⁹- Koerner

کلامی و غیر کلامی والدینشان می‌باشد. مسلم است هنگامی که نحوه‌ی تفسیر متفاوت باشد، رفتارهای فرزندان در مقابل والدین نیز متفاوت خواهد بود و در این جاست که بحث سبک‌های تعارض به نوع ارتباطات خانواده ربط پیدا می‌کند. برای درک بهتر در این جا توضیح کوتاهی در مورد سبک‌های تعارض بیان می‌شود.

سبک‌های تعارضی در واقع بیان می‌کنند که با تعارض بوجود آمده چگونه باید برخورد شود. در همین راستا، سبک‌های تعارض جهت مطالعه‌ی ارتباطات دو نفر در موقعیت‌های تعارض طرح‌ریزی شدند.

پژوهشگرانی که در این زمینه کار کرده‌اند، سبک‌های تعارضی متفاوتی را معرفی کردند که همه‌ی آن‌ها از دو بعد مشارکت^۱ و قاطعیت^۲ (جرأت) ساخته شده‌اند. مشارکت به این اشاره دارد که فرد چقدر به خواسته‌های طرف مقابل توجه دارد و قاطعیت به رضایت خود فرد در موقعیت برمی‌گردد.

در این میان کامل‌ترین طبقه‌بندی متعلق به رحیم^۳ و مگنر^۴ (۱۹۹۵) می‌باشد که ۵ نوع سبک تعارضی را معرفی می‌کنند: اجتنابی^۵، خدمتکارانه^۶، سلطه‌گرانه^۷، مصالحه‌گرانه^۸ و مؤتلفانه^۹. در سبک اجتنابی، فرد کمرو و بدون قاطعیت و در روابط غیر مشارکتی است؛ فرد بر شیوه‌های فیزیکی و هیجانی کناره‌گیری تکیه می‌کند یا این که موضوع مورد تعارض را عوض می‌کند؛ در نتیجه، در موقعیت تعارض باقی نمی‌ماند. افراد اجتنابی سعی می‌کنند از موقعیت تعارضی فرار کنند. سبک خدمتکارانه، با نوعی تسلیم شدگی و اطاعت همراه است، در این نوع سبک فرد نگران خواسته‌ی طرف مقابل است و به فرد روبه‌رو اجازه می‌دهد که به او بگوید چه می‌خواهد. در نتیجه، این شیوه شامل مشارکت فرد می‌باشد، اما قاطعیت و جرأت در آن وجود ندارد و فرد نمی‌تواند رک و بی‌پرده حرف خود را بزند. سبک سلطه‌گرانه با رفتارهای قاطع و غیر مشارکتی شناخته می‌شود. در این سبک فرد در مقابل دیگران دارای قدرت است. افرادی که از این شیوه استفاده می‌کنند، انعطاف بسیار کمی در حل تعارضات پیش‌آمده از خود نشان می‌دهند و می‌توانند باعث بیش‌تر شدن تعارض شوند. سبک مصالحه‌گرانه یک راه حل میانه پیشنهاد می‌کند که هر دو نفر راضی باشند. هر

^۱ - Cooperative

^۲ - Assertiveness

^۳ . Rahim

^۴ . Magner

^۵ - Avoiding

^۶ - Obliging

^۷ - Dominating

^۸ - Compromising

^۹ - Integrating

فرد از برخی خواسته‌هایش می‌گذرد و برخی را حفظ می‌کند. این شیوه در هر دو بعد مشارکت و قاطعیت در حد میانه وجود دارد. افرادی که این سبک را دارند، تعهد بالایی در موقعیت تعارضی حس می‌کنند، اما در بیان باورهای خود (خود-افشا سازی)^۱ ضعیف هستند. این سبک همراه با انعطاف بالایی است. سبک مؤتلفانه در هر دو بعد قاطعیت و مشارکت بالا و فعال است. هر دو فرد سعی می‌کنند، موقعیت تعارضی را دوباره تعریف کنند و راه حلی را بیابند که خواسته‌های هر دو را در نظر بگیرد. در این مسیر دو نفر داده‌های زیادی را در مورد موقعیت تعارضی و درک خود از این موقعیت با هم رد و بدل می‌کنند.

تا به حال پژوهش‌های اندکی در این حوزه صورت پذیرفته است (داملاً و بوتاً، ۲۰۰۰)، برای مثال ریز-ویر^۲ و بارتل-هرینگ^۳ (۱۹۹۸) دریافتند که شیوه‌های حل تعارض بین پدر-نوجوان با شیوه‌های حل تعارض بین خواهر-برادر ارتباط دارد یا سمتانا^۴ (۱۹۹۵) دریافت که قدرت والدین و شیوه‌های فرزندپروری در میزان و شدت تعارض والد-نوجوان مؤثر است. کرنر و فیتزپاتریک (۱۹۹۷) به این نتیجه رسیدند که بین جهت‌گیری گفت‌وگوشنود و سبک اجتنابی رابطه‌ی منفی و بین جهت‌گیری همنوایی و سبک اجتنابی رابطه‌ی مثبت وجود دارد، اما به بررسی دیگر سبک‌های حل تعارض نپرداختند. داملاً (۱۹۹۷)، نقل از داملاً و بوتاً، ۲۰۰۰، به بررسی چندین سبک پرداخت، اما تنها از یک نمونه‌ی ۶۳ نفری استفاده کرد. نتایج نشان دادند که نوجوانان خانواده‌های کثرت‌گرا تمایل داشتند از سبک‌های حل تعارض مؤتلفانه و سلطه‌گرانه استفاده کنند. نوجوانان خانواده‌های توافق‌کننده بیش‌تر از سبک مصالحه‌گرانه استفاده می‌کردند، درحالی‌که نوجوانان خانواده‌های به‌حال خود واگذارنده، بیش‌تر سبک سلطه‌گرانه را بکار می‌بردند و در آخر نوجوانان خانواده‌های حفظ‌کننده بیش‌تر از سبک‌های اجتنابی یا خدمتکارانه سود می‌جستند.

در یکی از کامل‌ترین پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفت، داملاً و بوتاً (۲۰۰۰) به بررسی سبک‌های ارتباطی خانواده و شیوه‌ی حل تعارض بین پدر و نوجوان پرداختند. نتایج نشان داد که نوجوانان پدران به‌حال خود واگذارنده کم‌تر از بقیه از سبک‌های خدمتکارانه و مؤتلفانه و سلطه‌گرانه استفاده می‌کردند. نوجوانان پدران حفظ‌کننده بیش‌تر از بقیه، سبک‌های اجتنابی و خدمتکارانه و کم‌تر از بقیه سبک‌های سلطه‌گرانه و مؤتلفانه را بکار می‌بردند. هم‌چنین، نوجوانان پدران کثرت‌گرا بیش‌تر از بقیه از سبک‌های مؤتلفانه و سلطه‌گرانه سود می‌جستند و کم‌تر سبک اجتنابی را بکار می‌بردند و در آخر نوجوانان پدران توافق‌کننده بیش‌تر از سبک مؤتلفانه استفاده می‌کردند. زنگ

^۱ -Self-Disclosure

^۲ -Reese-Weber

^۳ -Bartle-Haring

^۴ -Smetana

(۲۰۰۷) نیز در پژوهشی که روی نوجوانان چینی انجام داد، دریافت که جهت‌گیری گفت‌وشنود بیش از جهت‌گیری همنوایی در خانواده‌های چینی وجود دارد. هم‌چنین، شیوه‌های حل تعارض مصالحه‌گرانه و مؤتلفانه بیش‌تر از همه و شیوه‌ی رقابت‌گرانه یا همان سلطه‌گرانه کم‌تر از همه بکار می‌روند. بچه‌ها از خانواده‌هایی با جهت‌گیری گفت‌وشنود، بیش‌تر از شیوه‌ی مؤتلفانه و کم‌تر از شیوه‌ی اجتنابی استفاده می‌کنند در حالی که بچه‌ها از خانواده‌هایی با جهت‌گیری همنوایی بیش‌تر شیوه‌ی رقابت‌گرانه و کم‌تر شیوه‌ی مؤتلفانه را بکار می‌گیرند.

در مجموع، پژوهش‌های اولیه‌ی انجام شده در این حوزه، بسیار اندک است. در ایران در حد بررسی‌های پژوهشگر، تاکنون در مورد تعارض نوجوان و والدین کاری صورت نگرفته و این در حالی است که سبک‌های حل تعارض می‌توانند در نوع و کیفیت رابطه‌ی والد - نوجوان بسیار سودمند باشند. به همین منظور، این پژوهش به بررسی انواع سبک‌ها و شیوه‌های حل تعارض بین نوجوان با پدر و مادر به طور جداگانه پرداخته و تأثیر الگوی ارتباطی خانواده را بر این نوع سبک‌ها مورد بررسی قرار داده است. در واقع، کار جدیدی که در این پژوهش انجام شده بررسی جداگانه‌ی الگوی ارتباطی هر کدام از والدین با نوجوان و تأثیر این الگو بر شیوه‌ای که نوجوان هنگام بروز تعارض با پدر یا مادر بکار می‌بندد، می‌باشد. با این روش، می‌توان شیوه‌های حل تعارض نوجوان در مقابل مادر و پدر را با هم مقایسه کرد که این کار تا به حال انجام نگرفته است. بدین ترتیب فرضیه‌ی اصلی پژوهش به صورت زیر بیان می‌گردد:

الگوهای ارتباطی هر کدام از والدین با فرزندان ارتباطی معنادار با شیوه‌های حل تعارض فرزندان آنان دارد.

روش

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش - در طی پژوهش، تعداد شرکت‌کنندگان حاضر، شامل ۲۰۶ نفر از دانشجویان (۱۱۰ دختر و ۹۶ پسر) رشته‌های گوناگون تحصیلی دانشگاه شهید بهشتی بودند که به شیوه‌ی نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پرسشنامه‌های الگوهای ارتباطی خانواده و شیوه‌های حل تعارض که هر کدام از پرسشنامه‌ها به طور جداگانه برای پدر و مادر طرح‌ریزی شده بود، به وسیله‌ی آزمودنیها تکمیل شدند. در پرسشنامه‌ی الگوهای ارتباطی واژه‌ی والدین و خانواده به پدر و مادر تبدیل شد و در پرسشنامه‌ی حل تعارض نیز به جای واژه‌ی دیگران به صورت کلی، از واژه‌ی پدر و مادر هر کدام جداگانه استفاده گردید.

ابزار پژوهش

پرسشنامه‌ی الگوی ارتباطی- این پرسشنامه متعلق به ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۰) است که شامل ۲۶ گویه می‌باشد که دو بعد "همنوایی" و "گفت‌وشنود" را می‌سنجد. مقیاس این پرسشنامه از نوع لیکرت می‌باشد که در یک طیف ۵ تایی از کاملاً شبیه (نمره‌ی ۵) تا کاملاً متفاوت (نمره‌ی ۱) قرار می‌گیرد. این پرسشنامه در ایران به وسیله‌ی کورش‌نیا و لطیفیان (۱۳۸۶)، ترجمه و اعتبار و روایی آن مورد بررسی قرار گرفت که از مقدار مطلوبی برخوردار بود.

در این پژوهش نیز اعتبار پرسشنامه به شیوه‌ی آلفای کرونباخ و روایی آن با استفاده از روش تحلیل عوامل به شیوه‌ی مؤلفه‌های اصلی مورد بررسی قرار گرفت. مقدار عددی شاخص *KMO* در این تحلیل در مورد پرسشنامه‌ی مادران برابر ۰/۸۳ و در مورد پرسشنامه‌ی پدران برابر ۰/۸۴ بدست آمد. مقدار عددی شاخص χ^2 نیز در آزمون کرویت بارتلت برای مادران برابر ۲۸۸۱ و برای پدران ۳۰۸۰ که هر دو در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بودند و به ترتیب این دو شاخص حاکی از کفایت نمونه‌گیری و کفایت ماتریس همبستگی مورد تحلیل بودند. نتایج تحلیل عامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس بیانگر وجود ۲ مؤلفه‌ی اصلی در این پرسشنامه بود که روی هم در مورد مادران ۴۷/۴۸ و در مورد پدران ۵۰/۲۶ کل واریانس را تبیین می‌کرد. ضریب آلفای کرونباخ برای بعد گفت‌وشنود در هر دو پرسشنامه‌ی پدران و مادران ۰/۹۲ و برای بعد همنوایی در پرسشنامه‌ی مادران ۰/۸۳ و در پرسشنامه‌ی پدران ۰/۷۸ بود.

مقیاس شیوه‌ی مقابله با تعارض^۱ - این مقیاس به وسیله‌ی رحیم و مگنر (۱۹۹۵) ساخته شده است، که ۵ نوع شیوه‌ی حل تعارض را معرفی می‌کند. این پرسشنامه در ایران به وسیله‌ی باباپور (۱۳۸۱) ترجمه و این ۵ شیوه به نام‌های اجتنابی، خدمتکارانه، سلطه‌گرانه، مصالحه‌گرانه و مؤتلفانه نام‌گذاری شدند که در این پژوهش نیز از همین اسامی استفاده شد. پرسشنامه به صورت لیکرت و در یک طیف ۵ تایی از کاملاً موافق (نمره ۵) تا کاملاً مخالف (نمره ۱) قرار دارد. پرسشنامه در پژوهش‌های گذشته از اعتبار (آلفا بین ۰/۵۰ تا ۰/۹۵) و پایایی از نوع بازآزمایی (۰/۶۰ تا ۰/۸۳) مناسب برخوردار بوده است (داملاً و پوتا، ۲۰۰۰).

در این پژوهش نیز اعتبار پرسشنامه به شیوه‌ی آلفای کرونباخ و روایی آن با استفاده از روش تحلیل عوامل به شیوه‌ی مؤلفه‌های اصلی مورد بررسی قرار گرفت. مقدار عددی شاخص *KMO* در این تحلیل در مورد پرسشنامه‌ی مادران برابر ۰/۷۹ و در مورد پرسشنامه‌ی پدران برابر ۰/۸۶ بدست آمد. همچنین، مقدار عددی شاخص χ^2 در آزمون کرویت بارتلت برای مادران برابر ۲۷۸۳

^۱ -Rahim Organizational Conflict Inventory-II (ROCI-II)

و برای پدران ۳۱۳۶ که هر دو در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بودند که به ترتیب این دو شاخص حاکی از کفایت نمونه‌گیری و کفایت ماتریس همبستگی مورد تحلیل بودند.

نتایج تحلیل عامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس بیانگر وجود ۴ مؤلفه‌ی اصلی در این پرسشنامه بود. ملاک استخراج عوامل شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه‌ی بالاتر از یک در نظر گرفته شد. در پژوهش داملاً و بوتاً (۲۰۰۰) نیز عنوان گردیده است که دو عامل مؤتلفانه و مصالحه‌گرانه در حدود ۰/۶۹ با یکدیگر همبستگی داشتند که در آخر عامل مصالحه‌گرانه حذف گردید. در این پژوهش این دو عامل ابتدا در یک عامل جای گرفتند و سپس گویه‌های این عامل دوباره تحلیل عامل شدند و ۲ عامل مؤتلفانه و مصالحه‌گرانه استخراج گردید.

یافته‌ها

در ابتدا بمنظور بررسی بیش‌تر وضعیت شیوه‌های حل تعارض و میزان کاربرد هر کدام در بین نوجوانان، از روش اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده شد؛ به گونه‌ای که هر ۵ شیوه‌ی موجود حل تعارض با پدر و مادر در دختران و پسران به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفتند، در جدول شماره ۱ میانگین‌ها به تفکیک دختر و پسر آورده شده است.

جدول ۱- میانگین شیوه‌های حل تعارض با پدر و مادر

شیوه‌ی حل تعارض	میانگین نمره‌های حل تعارض			
	دختر با پدر	پسر با پدر	دختر با مادر	پسر با مادر
مؤتلفانه	۳/۶۲	۳/۲۰	۳/۷۰	۳/۳۹
مصالحه‌گرایانه	۳/۷۰	۳/۳۵	۳/۹۰	۳/۶۱
سلطه‌گرایانه	۳/۱۶	۲/۸۲	۳/۲۳	۲/۹۰
اجتنابی	۳/۳۴	۳/۱۰	۳/۶۱	۳/۱۴
خدمتکارانه	۳/۰۵	۳/۰۱	۳/۱۵	۳/۲۰

میانگین‌های هر گروه به LSD با هم مقایسه شدند، نتایج نشان داد که در همه‌ی گروه‌ها، شیوه‌ی مصالحه‌گرانه به گونه‌ای معنادار بیش از بقیه‌ی شیوه‌ها بکار برده می‌شود. در مورد ارتباط با پدر، پسران به گونه‌ای معنادار شیوه‌ی اجتنابی را بیش از شیوه‌ی سلطه‌گرانه بکار می‌بردند، درحالی‌که دختران شیوه‌ی اجتنابی را از شیوه‌ی خدمتکارانه بیش‌تر استفاده می‌کردند. در مورد ارتباط با مادر باز هم دختران شیوه‌ی اجتنابی را به گونه‌ای معناداری بیش از شیوه‌ی خدمتکارانه

بکار می‌بردند و پسران از شیوه‌ی سلطه‌گرانه به گونه‌ای معنادار کمتر از دیگر شیوه‌ها استفاده می‌کردند. در مجموع می‌توان گفت، اولویت هم در دختران هم در پسران با شیوه‌ی مصالحه‌گرانه است، یعنی بیش‌تر ترجیح می‌دهند، به طور میانگین هم حرف خود را بزنند و هم رعایت نظر والدین خود را بکنند. از سوی دیگر، دختران شیوه‌ی خدمتکارانه را کمتر از سایر شیوه‌ها بکار می‌برند، در حالی‌که پسران بویژه در مقابل مادران خود کمتر از همه از شیوه‌ی سلطه‌گرانه استفاده می‌کنند.

برای بررسی فرضیه‌ی اصلی پژوهش از همبستگی بنیادی^۱، استفاده شد. همبستگی بنیادی یکی از اعضای روش‌های آماری خطی چند متغیری است که به وسیله‌ی هتلینگ توسعه یافته است. در این روش فرض بر این است که متغیرها دارای سطح اندازه‌گیری در مقیاس فاصله‌ای، روابط بین آن‌ها خطی و هدف اصلی از تحلیل داده‌ها تبیین هر چه بیش‌تر واریانس متغیرهای معین تا حد ممکن است. تحلیل داده‌های چندمتغیری در پژوهش رفتاری همبستگی بنیادی امکان بررسی رابطه‌ی دو مجموعه از اندازه‌ها، نظیر دو نیمرخ که از دو آزمون گوناگون بدست آمده‌اند، فراهم می‌کند. در این پژوهش بعدها گفت‌وشنود و همنوایی، یک گروه از متغیرها و انواع سبک‌های تعارض دیگری از متغیرها را تشکیل دادند که البته، برای پدر و مادر به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت، یعنی نوع الگوی ارتباطی با مادر و میزان پیش‌بینی‌کنندگی آن در شیوه‌ی حل تعارضی که نوجوان در مقابل او اتخاذ می‌کند و هم‌چنین، نوع الگوی ارتباطی با پدر و میزان پیش‌بینی‌کنندگی آن در شیوه‌ی حل تعارضی که نوجوان در مقابل پدر در پیش می‌گیرد. گفتنی است برای بدست آوردن داده‌های بیش‌تر دختران و پسران به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج در ادامه آورده شده است.

در ابتدا نوع ارتباط با پدر در پسران و دختران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نخستین نکته‌ی جالب تفاوت بین دختران و پسران در میزان همبستگی بین دو بعد گفت‌وشنود و همنوایی بود. در پسران همبستگی حدود ۰/۰۲ و در دختران حدود ۰/۳۲- بدست آمد، در واقع در پسران بین گفت‌وشنود و همنوایی که با پدر خود دارند، ارتباطی وجود ندارد، در حالی‌که در دختران این دو با هم رابطه‌ی منفی دارند، یعنی دخترانی که باید اصل همنوایی را در ارتباطات خود با پدر حفظ کنند، کمتر با پدر به بحث و گفتگو در مورد مسایل گوناگون می‌پردازند. همبستگی بنیادی نخستین و دومین برای پسران و دختران در جداول ۲ و ۳ آورده شده است.

^۱ -Canonical Correlation

جدول ۲- همبستگی‌های بنیادی الگوهای ارتباطی با شیوه‌های حل تعارض در پسران

همبستگی بنیادی	لاندام ویلکز	مجذور کای	درجه‌ی آزادی	معناداری
۰/۴۶	۰/۴۱۷	۷۸/۷۵۶	۱۰	۰/۰۰۰
۰/۱۴	۰/۶۶۸	۳۶/۳۶۲	۴	۰/۰۰۰

جدول ۳- همبستگی‌های بنیادی الگوهای ارتباطی با شیوه‌های حل تعارض در دختران تعارض در پسران

همبستگی بنیادی	لاندام ویلکز	مجذور کای	درجه‌ی آزادی	معناداری
۰/۶۵	۰/۴۸۱	۷۳/۱۱۲	۱۰	۰/۰۰۰
۰/۴۱	۰/۸۳۴	۱۸/۱۸۹	۴	۰/۰۰۱

سپس بارها^۱ و ضرایب بنیادی^۲ در هر دو گروه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در جداول ۴ و ۵ آورده شده است.

جدول ۴- ضرایب و بار بنیادی الگوهای ارتباطی با پدر

پسران		دختران		پسران		دختران		الگوهای ارتباطی
دومین	نخستین	دومین	نخستین	دومین	نخستین	دومین	نخستین	
ضریب	بار	ضریب	بار	ضریب	بار	ضریب	بار	گفت‌وشنود
بنیادی	بنیادی	بنیادی	بنیادی	بنیادی	بنیادی	بنیادی	بنیادی	همنوایی
-۰/۲۲	-۰/۲۰	-۰/۹۸	-۰/۹۸	۰/۳۵	۰/۰۱	-۰/۹۹	-۱	
۰/۹۸	۰/۹۸	-۰/۲۰	-۰/۲۲	۱/۰۶	۰/۹۴	۰/۰۱	۰/۳۳	

با توجه به ضرایب و بارهای بنیادی بدست آمده در جدول ۴، می‌توان گفت هم در پسران و هم در دختران متغیر نخستین الگوهای ارتباطی از جنس گفت‌وشنود و متغیر دومین از جنس همنوایی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹-Canonical Loading

²-Canonical Coefficients

جدول ۵- ضرایب و بار بنیادی شیوه‌های حل تعارض با پدر

شیوه‌های حل تعارض	دختران		پسران	
	نخستین	دومین	نخستین	دومین
مؤتلفانه	بار -۰/۹۲	بار -۰/۴۹	بار -۰/۸۹	بار -۰/۹۵
مصالحه‌گرانه	بار -۰/۹۱	بار -۰/۶۱	بار -۰/۷۸	بار ۰/۶۴
سلطه‌گرایانه	بار -۰/۱۳	بار ۰/۰۶	بار -۰/۵۱	بار ۰/۴۷
اجتنابی	بار ۰/۰۱	بار ۰/۱۶	بار -۰/۲۳	بار ۰/۷۳
خدمتکارانه	بار -۰/۴۳	بار -۰/۰۲	بار -۰/۶۲	بار ۰/۳۶

هم‌چنین، جدول ۵ نشان می‌دهد که متغیر نخستین شیوه‌های حل تعارض هم در مورد پسران و هم دختران از جنس حل تعارض مؤتلفانه، خدمتکارانه و مصالحه‌گرانه است. البته، با این تفاوت که در دختران تنها ضریب مؤتلفانه و مصالحه‌گرانه بالا بود، اما همبستگی خدمتکارانه نیز بالا نشان داده شد، اما برعکس در پسران ضریب مؤتلفانه و خدمتکارانه بالا بدست آمد، در حالی که همبستگی مصالحه‌گرانه نیز بالا بود. با استفاده از رگرسیون مشخص شد، شیوه‌ی خدمتکارانه به وسیله‌ی شیوه‌ی مصالحه‌گرانه پیش‌بینی می‌شود؛ به سخن دیگر، شیوه‌ی خدمتکارانه و مصالحه‌گرانه از یک جنس، اما در پسران به معنی خدمتکارانه و برعکس در دختران به معنی مصالحه‌گرانه است. متغیر دومین در مورد پسران از جنس مصالحه‌گرانه، سلطه‌گرانه، اجتنابی است و متغیر خدمتکارانه نیز که همبستگی بالایی دارد توسط مصالحه‌گرانه پیش‌بینی می‌شود. متغیر مؤتلفانه نیز نقش بازدارنده ایفا می‌کند زیرا در حالی که ضریب بنیادی بالایی دارد، بار آن در حدود صفر است، یعنی با این که خود رابطه‌ی قابل‌ذکری با الگوهای ارتباطی نداشته است، حضور آن در تحلیل با حذف واریانس ناروای سایر متغیرهای شیوه‌های حل تعارض، به بهبود رابطه کمک کرده است. در مورد دختران متغیر دومین از جنس سلطه‌گرانه و خدمتکارانه است و شیوه‌ی اجتنابی نیز به واسطه‌ی همبستگی با این متغیرها در این گروه جای می‌گیرد. هم‌چنین، باز متغیر مؤتلفانه نقش بازدارنده را دارد. بدین ترتیب، به لحاظ معنایی پسرانی که با پدران خود گفت‌وگوشنود دارند، از شیوه‌ی مؤتلفانه و خدمتکارانه و آن‌هایی که هم‌نمایی بالایی دارند، از شیوه‌ی مصالحه‌گرانه، سلطه‌گرانه و اجتنابی استفاده می‌کنند. هم‌چنین، دختران که با پدران خود گفت‌وگوشنود بالایی دارند، از شیوه‌ی مؤتلفانه و مصالحه‌گرانه و آن‌هایی که هم‌نمایی بالایی دارند، از شیوه‌ی سلطه‌گرانه و خدمتکارانه سود می‌جویند.

پس از بررسی رابطه با پدر، رابطه با مادر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این بخش نیز در مورد پسران همبستگی گفت‌وشنود و همنوایی ۰/۰۹ و در مورد دختران ۰/۲۸- بود. همبستگی بنیادی اولیه و ثانویه برای پسران و دختران در جداول ۶ و ۷ آورده شده است.

جدول ۶- همبستگی‌های بنیادی الگوهای ارتباطی با شیوه‌های حل تعارض در پسران

معناداری	درجه آزادی	مجذور کای	لانداى ويلکز	همبستگی بنیادی
۰/۰۰۰	۱۰	۷۷/۰۰۴	۰/۴۲۵	۰/۶۶
۰/۰۰۰	۴	۲۵/۲۷۹	۰/۷۵۵	۰/۴۹

جدول ۷- همبستگی‌های بنیادی الگوهای ارتباطی با شیوه‌های حل تعارض در دختران

معناداری	درجه آزادی	مجذور کای	لانداى ويلکز	همبستگی بنیادی
۰/۰۰۰	۱۰	۷۴/۱۸۸	۰/۴۸۷	۰/۶۶
۰/۰۰۵	۴	۱۴/۹۲۴	۰/۸۶۵	۰/۳۷

پس بارها و ضرایب بنیادی در هر دو گروه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در جداول ۸ و ۹ آورده شده است.

جدول ۸- ضرایب و بار بنیادی بعدهای الگوی ارتباطی با مادر

الگوهای ارتباطی	دختران		پسران		گفت‌وشنود	همنوایی
	نخستین	دومین	نخستین	دومین		
بار بنیادی	بار بنیادی	بار بنیادی	بار بنیادی	بار بنیادی	بار بنیادی	بار بنیادی
ضریب بنیادی	ضریب بنیادی	ضریب بنیادی	ضریب بنیادی	ضریب بنیادی	ضریب بنیادی	ضریب بنیادی
۰/۹۷	۰/۹۱	۰/۲۲	۰/۵۰	۰/۰۲	۰/۰۸۸	۰/۰۲
۰/۴۹	۰/۲۳	۰/۸۷	۱/۰۱	۰/۹۹	۱/۰۰۴	۰/۰۰۲

جدول ۹- ضرایب و بار بنیادی شیوه‌های حل تعارض با مادر

شیوه‌های حل تعارض	دختران		پسران	
	نخستین	دومین	نخستین	دومین
مؤتلفانه	بار -۰/۷۴	بار ۰/۲۱	بار -۰/۹۷	بار -۰/۸۴
مصالحه‌گرانه	بار -۰/۷۱	بار -۰/۳۰	بار -۰/۶۹	بار -۰/۲۱
سلطه‌گرانه	بار -۰/۰۹	بار ۰/۱۰	بار -۰/۳۴	بار -۰/۰۲
اجتنابی	بار ۰/۱۳	بار ۰/۳۳	بار -۰/۲۶	بار ۰/۲۵
خدمتکارانه	بار -۰/۴۸	بار -۰/۱۶	بار ۰/۴۹	بار -۰/۴۴

جدول ۸ نشان می‌دهد که متغیر نخستین الگوهای ارتباطی از جنس گفت‌وشنود و متغیر دومین از جنس هم‌نوایی است. جدول ۹ نیز در مورد متغیرهای مربوط به شیوه‌ی حل تعارض اطلاعاتی بیان می‌دارد. به گونه‌ای که متغیر نخستین برای پسران بیش‌تر از جنس مؤتلفانه و تا حدی از جنس مصالحه‌گرانه و خدمتکارانه می‌باشد که البته، به وسیله‌ی مؤتلفانه پیش‌بینی می‌شوند. متغیر دومین به ترتیب از جنس خدمتکارانه و سلطه‌گرانه و تا حدی اجتنابی می‌باشد که متغیر اجتنابی به علت همبستگی با شیوه‌ی خدمتکارانه معنادار شده است، هم‌چنین، متغیر مؤتلفانه نقش بازدارنده دارد. در مورد دختران نیز متغیر نخستین از جنس مؤتلفانه و تا حدی از جنس مصالحه‌گرانه و خدمتکارانه است که مصالحه‌گرانه به وسیله‌ی مؤتلفانه و خدمتکارانه به وسیله‌ی مصالحه‌گرانه پیش‌بینی می‌شود. متغیر دومین از جنس اجتنابی، سلطه‌گرانه و خدمتکارانه است. بدین ترتیب به لحاظ معنایی پسرانی که با مادران خود گفت‌وشنود بالایی دارند، از شیوه‌ی مؤتلفانه و آن‌هایی که هم‌نوایی بالایی دارند، به ترتیب از شیوه‌ی خدمتکارانه و سلطه‌گرانه استفاده می‌کردند. هم‌چنین، دخترانی که با مادران خود گفت‌وشنود بالایی دارند، شیوه‌ی مؤتلفانه و آن‌هایی که هم‌نوایی بالایی دارند، به ترتیب شیوه‌ی اجتنابی، سلطه‌گرانه و خدمتکارانه را بکار می‌بردند.

روی هم رفته، می‌توان یافته‌ها را در هشت بخش دسته‌بندی کرد: (۱) گفت‌وشنود پسر با پدر با شیوه‌های حل تعارض مؤتلفانه و خدمتکارانه همبستگی دارد، (۲) هم‌نوایی پسر با پدر با شیوه‌های حل تعارض مصالحه‌گرانه، سلطه‌گرانه و اجتنابی همبستگی دارد، (۳) گفت‌وشنود دختر با پدر با شیوه‌های حل تعارض مؤتلفانه و مصالحه‌گرانه همبستگی دارد، (۴) هم‌نوایی دختر با پدر با

شیوه‌های حل تعارض سلطه‌گرانه و خدمتکارانه همبستگی دارد، ۵) گفت‌وشنود پسر با مادر با شیوه‌ی حل تعارض مؤتلفانه همبستگی دارد، ۶) هم‌نوایی پسر با مادر با شیوه‌های حل تعارض خدمتکارانه و سلطه‌گرانه همبستگی دارد، ۷) گفت‌وشنود دختر با مادر با شیوه‌ی حل تعارض مؤتلفانه همبستگی دارد و ۸) هم‌نوایی دختر با مادر با شیوه‌های حل تعارض اجتنابی، سلطه‌گرانه و خدمتکارانه همبستگی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج بدست آمده نشان داد که الگوهای ارتباطی فرزندان با والدین می‌توانند با شیوه‌ی حل تعارضی که آنان در برابر والدین خود اتخاذ می‌کنند، مرتبط باشد. همان گونه که در قسمت نتایج بیان شد، هرچه میزان گفت‌وشنود پسران با پدرانشان بیش‌تر باشد، به ترتیب بیش‌تر از شیوه‌های حل تعارض مؤتلفانه و خدمتکارانه استفاده می‌کنند. در مورد دختران هرچه در بعد گفت‌وشنود با پدران خود نمره‌ی بالاتری را بدست آورند، به ترتیب بیش‌تر از شیوه‌های حل تعارض مصالحه‌گرانه و مؤتلفانه استفاده می‌کنند. هم‌چنین، پسران و دخترانی که در الگوی ارتباطی با مادران خود گفت‌وشنود بالایی را گزارش کرده‌اند، شیوه‌ی حل تعارض مؤتلفانه را بکار می‌گیرند در مورد بعد هم‌نوایی نیز نتایج نشان داد، هرچه پسران هم‌نوایی بیش‌تری را با پدران خود گزارش می‌کنند، به ترتیب بیش‌تر از شیوه‌ی حل تعارض مصالحه‌گرانه، سلطه‌گرانه و اجتنابی استفاده می‌کنند. هم‌چنین، دخترانی که نمره‌ی بالایی در هم‌نوایی با پدر خود کسب کرده‌اند، به ترتیب از شیوه‌های خدمتکارانه و سلطه‌گرانه استفاده می‌کنند. در مورد هم‌نوایی با مادر، هرچه میزان هم‌نوایی پسران با مادرانشان بیش‌تر باشد، تمایل دارند بیش‌تر از شیوه‌ی خدمتکارانه و سلطه‌گرانه استفاده کنند. دختران نیز به ترتیب از شیوه‌های اجتنابی، سلطه‌گرانه و خدمتکارانه استفاده می‌کنند. هنگامی که داده‌های بدست آمده را با هم مقایسه می‌کنیم، به نتایج جالبی می‌رسیم. در هر چهار حالت گفت‌وشنود پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت، شیوه‌ی مؤتلفانه است. در ارتباط با پدران، گفت‌وشنود برای دختران پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت شیوه‌ی مصالحه‌گرانه است. این نتایج با پژوهش‌های پیشین هماهنگ است (داملاً، ۱۹۹۷؛ داملاً و بوتا، ۲۰۰۰، زنگ، ۲۰۰۷). در واقع، هنگامی که بین فرزندان و والدین جو بحث و گفت‌وگو وجود داشته باشد و اعضای خانواده با هم در مورد مسایل گوناگون صحبت کنند، فرزندان در زمان بروز تعارض با والدین از شیوه‌هایی استفاده می‌کنند که هم شامل قاطعیت و هم مشارکت می‌باشد. نکته‌ی جالب در مورد گفت‌وشنود، استفاده پسران از شیوه‌ی حل تعارض خدمتکارانه در برابر پدران است. در صورتی که این مسئله در مورد دختران دیده نمی‌شود، یعنی پسروانی که بویژه با پدران خود گفت‌وشنود دارند، در هنگام تعارض با آنان از شیوه‌ی

خدمتکارانه استفاده می‌کنند، یعنی به نفع پدران از خواسته‌ی خود دست می‌کشند. این مسئله با پژوهش‌های گذشته همخوانی ندارد که می‌تواند ناشی از تفکیک جنسیت و فرهنگ باشد، یعنی پسر در برابر پدر نوعی احساس مسئولیت می‌کند که باعث می‌شود از خواسته‌ی خود بخاطر پدر بگذرد. در مورد همنوایی در هر ۴ حالت افرادی که همنوایی بالایی را گزارش کرده‌اند، از شیوه‌های حل تعارض سلطه‌گراانه استفاده می‌کردند. این مسئله با یافته‌های پیشین همخوانی ندارد و در نگاه نخست عجیب نیز بنظر می‌رسد زیرا مفهوم همنوایی با مفهوم سلطه‌گری در تضاد است، اما در واقع می‌تواند یک واکنش به میزان همنوایی باشد که والدین در ارتباطات از فرزندان خود انتظار دارند، یعنی والدینی که اصرار دارند جو خانواده از همنوایی بالایی برخوردار باشد، فرزندان را علیه خود می‌شورانند. هم‌چنین، پسرانی که با پدران خود همنوایی دارند، در هنگام تعارض از شیوه‌ی اجتناب نیز استفاده می‌کردند؛ درحالی‌که دختران در برابر پدران شیوه‌ی خدمتکارانه را بکار می‌بردند که می‌تواند ناشی از نوع ارتباط بین پدر و دختر باشد، اما در مورد مادران، هم دختران هم پسرانی که با مادران خود همنوایی دارند، از دو راهبرد خدمتکارانه و اجتنابی استفاده می‌کردند. البته، گفتنی است پسران به میزان بسیار کمی در برابر مادران شیوه‌ی اجتنابی را بکار می‌بردند و با ضریب بالایی شیوه‌ی خدمتکارانه را استفاده می‌کردند، یعنی پسران همنوایی با مادر را می‌پذیرند و به نفع او از خواسته‌ی خود می‌گذرند. درحالی‌که دختران بیش‌تر شیوه‌ی اجتنابی را در برابر مادران خود استفاده می‌کنند. این مسئله نیز بر اساس اصول روان‌کاوی قابل توجیه است. البته، پیشنهاد می‌شود که برای درک بیش‌تر رابطه الگوهای ارتباطی و شیوه‌های حل تعارض متغیر ویژگی‌های شخصیتی را به عنوان متغیر میانجی مورد بررسی قرار دهیم. در مجموع نتایج بیانگر این است که تقویت بعد گفت‌و شنود منجر به استفاده از شیوه‌های حل تعارض کارآمد می‌شود، درحالی‌که بالا بودن بعد همنوایی بیش‌تر با شیوه‌هایی از حل تعارض همراه می‌شود که ناکارآمد و زیان‌بارند، باعث ایجاد تنش خواهند شد یا از رابطه‌ی فرزندان با والدین می‌کاهد. البته، در فرهنگ ما هنگامی که فرزند به نفع والدین از خواسته‌ی خود می‌گذرد، امری مطلوب و پسندیده است که در همین مورد نیز باید با مصاحبه بررسی شود که احساس و انگیزه‌ی فرزندان هنگام استفاده از شیوه‌ی خدمتکارانه چیست. مثلاً همان گونه که نتایج نشان داد، پسرانی که با پدران خود گفت‌و شنود دارند، گاهی از شیوه‌ی خدمتکارانه استفاده می‌کنند؛ در این حالت اجباری در کار نیست بلکه خواست قلبی خود آنان است، اما هنگامی که همنوایی با شیوه‌ی خدمتکارانه همراه می‌شود، فرد ممکن است با فشار درونی و نارضایتی این شیوه را بکار گیرد که مسلم است در آینده پیامدهایی به همراه خواهد داشت. بنابراین، در کل توصیه می‌شود که بعد گفت‌و شنود در خانواده گسترش یابد و از تمرکز بیش از حد بر بعد همنوایی کاسته شود.

منابع

- کورشنیا، مریم و لطیفیان، مرتضی. (۱۳۸۶). بررسی روایی و پایایی ابزار تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده، فصلنامه خانواده پژوهی، شماره ۱۲، ۸۵۵-۸۷۵.
- باباپور خیرالدین، جلیل. (۱۳۸۱). بررسی رابطه کیفیت حل مسأله اجتماعی، شیوه حل تعارض و ویژگی‌های رواندرستی دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- Canary, D. & Lakey, S. G. (2006). Managing conflict in a competent manner: A mindful look at events that matter. *The Sage handbook of communication and conflict*. Sage.
- Canary, D. & Lakey, S. G. (2010). *Strategic conflict: Research-based principles for managing interpersonal conflicts*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Conrad, C. (1991). Communication in Conflict: Style - Strategy Relationships, *Communication Monographs*, 58, 135 - 155.
- Dumlao, R. & Botta, R. (2000). Family communication Pattern and the conflict style young adults use their father.
- Fitzpatrick, M.A. & Ritchie, L.D. (1994). Communication schemata within the family: Multiple perspectives on family interaction. *Human Communication Research*, 20, 275-301.
- Hocker, J. & Wilmot, W. (1995). *Interpersonal conflict*. (4th ed.). Dubuque: Brown and Benchmark.
- Koerner, A. & Fitzpatrick, M.A. (1997). Family type and conflict: The impact of conversation orientation and conformity orientation on conflict in the family. *Communication studies*, 48, 59-75.
- Koerner, A. & Fitzpatrick, M.A. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Communication Yearbook*, 26.
- McLeod, J. M. & Chaffee, S. H. (1972). The construction of social reality. In J. Tedeschi (Ed.), *the Social Influence Process*, (pp. 50-59). Chicago: Aldine-Atherton.
- Rahim, M. & Magner, N. (1995). Confirmatory factor analysis of the styles of handling interpersonal conflict: first order factor model and its invariance across groups. *Journal of applied psychology*, 80 (1), 548-565.
- Reese-weber, M. & Bartle-Haring, S. (1998). Conflict resolution styles in family subsystems and adolescent romantic relationship. *Journal of Youth and Adolescence*, 27, 735-752.
- Ritchie, L. (1991). Family communication patterns: An epistemic analysis and conceptual reinterpretation. *communication research*, 17, 523-544.
- Ritchie, L.D. & Fitzpatrick, M.A. (1990). Family communication patterns: Measuring intrapersonal perceptions of interpersonal relationships. *Communication Research*, 17(4), 523-544.

Smetana, J. (1995). Parenting styles and conceptions of parental authority during adolescence. *Child development*, 66, 299-316.

Zhang, Q. (2007). Family communication patterns and conflict styles in Chinese parent child relationships. *Communication Quarterly*, 55(1), 113-128.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی